

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل  
۰۸ اکتوبر ۲۰۲۲

## نمایش قدرت است یا تبارز ترس!؟

جمعه - ۱۵ میزان ۱۴۰۱ - کابل: امروز از طریق رسانه ها مطلع شدیم که "امیر غایب" باز هم دست از آستین قدرت بیرون نموده، حدود ۱۳ تن از مقامات ارشد اداری و نظامی نظام ملاسالار را بدون کمترین توضیحی برای مردم، از یک مقام به مقام دیگری مقرر نموده است. در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین مورد که در یک نظام با ثبات می تواند کاملاً عادی باشد، خواهیم داشت:

۱- نقل و انتقالات اداری می تواند در اساس معرف دو وجه کاملاً متضاد در یک اداره به شمار آید. یعنی به همان اندازه که ثبات، حاکمیت قانون و نقش برارنده و بلامنازع رهبری نظام را تداعی می نماید، تقریباً به همان اندازه و چه بسا بیشتر از آن از عدم ثبات، ناکامی ها، ارتشاء و بی برنامگی اداری حاکمیت نیز پرده بردارد.

۲- از آن جایی که نظام ملاسالار و "امیر غایب" آن خود را مکلف به پرسیدن از مردم در اداره امور نمی دانند و به همان علت ظرف یک سال و اندی گذشته، هیچ دلیلی برای هیچ کارشان نیز ارائه نداشته اند، در قسمت نقل و انتقالات اداری اخیر هم نمی توان حکم نمود که این مقرری به کدام اساس و روی کدام لزوم دیدی صورت گرفته است. آیا افراد با بیجا شدن تنبیه شده اند و یا تشویق و تقدیر. این نکته زمانی اهمیت می یابد که بین مقرری های جدید، یا والی یک ولایت در چه اول مانند ولایت بلخ به یک ولایت درجه سه مانند زابل مقرر می گردد و یا هم یک والی به حیث معاون والی و حتا قومندان امنیه در ولایت دیگر.

هرگاه برمبنای روش اداری و تعاملاتی که در ادارات حاکم بوده، به این تعیینات نظر انداخته شود، واضح می گردد که برخی ها مغضوب و تعدادی هم مورد تقدیر قرار گرفته اند. آنچه در هر دو زمینه قابل تأمل است، اطاعت محض والی ها از تعیینات جدید می باشد. این اطاعت مطلق نشان می دهد که سلسله مراتب قدرت در طالب چنان شکل گرفته که هیچ کسی حق ندارد علیه تصمیم گرفته شده از جانب "امیر غایب" کوچکترین اعتراض نماید؛ یعنی نظام ملاسالار نه تنها بر مردم کشور زور می گوید و یک دیکتاتوری عربان فاشیستی را تطبیق می نماید، بلکه در مناسبات درونی خودشان نیز هیچ نوع اعتنائی به حقوق دموکراتیک افراد طالب و حتا حفظ حرمت و آبرویی آنها ندارند.

۳- و اما این که در پی چنین تصامیمی چه نهفته است، آیا می خواهند قدرت مطلق "امیر غایب" را به نمایش بگذارند و یا هراس وی از قدرت گیری افراد وابسته به نظام ملاسالار را برطرف نمایند، مسأله ایست قابل غور.

به نظر من "امیر غایب" و در کل نظام ملاسالار خود می دانند که حاکمیت شان یک حاکمیت هدیه شده از جانب استعمار است، این را می دانند که نه از لحاظ شرایط داخلی و نه هم تعاملات منطقه ئی و بین المللی اهلیت و قابلیت قرار گرفتن در جایگاه فعلی شان را ندارد، این را هم می دانند که هرگاه افراد برای یک مدت طولانی در یک منطقه به حیث والی ویا قومندان امنیه کار کند، لامحاله در بین مردم منطقه می تواند برای خود جایگاه و موقعیتی کسب کند که فردا ها با تکیه بر آن بتواند در دسری برای رهبری و امارت خلق نماید.

از همین رو می کوشد تا حکام و والی ها را قبل از آن که زیرپای شان گرم و محکم گردد، از یک جا به جای دیگر بگمارد.

هموطنان گرامی!

این روش هرچند ظاهراً قدرت و سلطه بلا منازع رهبری را به نمایش می گذارد، مگر در واقعیت امر تخم نفاق و شقاق و بدبینی را بین آحاد حاکمیت و همچنان با رهبری آبیاری می نماید. کاری که ما می باید انجام دهیم افشای گسترده علل پشت پرده اتخاذ چنین تصمیمی است. با افشای علل اتخاذ چنین تصمیمی به علاوه آن که قادر خواهیم شد تا تضاد های درونی بین حاکمیت را تشدید نمائیم، توده های میلیونی کشور را نیز با ماهیت طالب و نظام ملاسالار بیشتر آشنا ساخته به آنها نشان خواهیم داد که حاکمیت طالب، ادامه منطقی حاکمیت پوشالی ساقط شده با تمام معایب و خیانت های آن می باشد.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**